

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

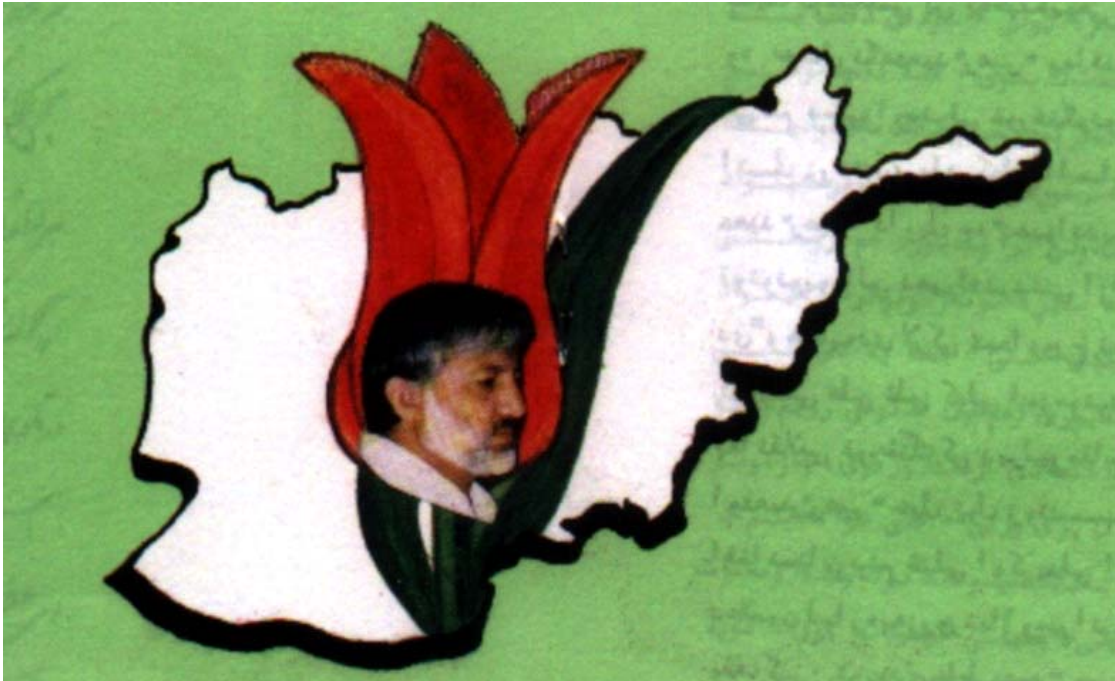
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جان بازان

شاعر: شیخ اشعرا استاد فدائی



مرثیه ای از شیخ الشعرا استاد "فدائی" هروی در رثای شهید "رهبر"

آذرخش

دریغ و آه از آن آیت سپیده دمان
دریغ و آه از آن قامت بلند زمان
دریغ و آه از آن آذرخش توفانرا
دریغ و آه از آن یکه تازی پروا
که درسیاهی شب همچو مشعلی تابان

خموش گشته به یکدم ز جور خفاشان
ستم نگر که چه نخلی ز بوستان امید
زیافتاد و به سوگش زمان سیه پوشید
دریغ از آن پدر انقلاب و حماسه
که بی خبر بُد از آن گژدم سیه کاسه
که روبهانه ز سوراخ شب برآرد سر
به شیر شرزه برد حمله روبهی لاغر

ندید خصم چو در کارزار مانندش
به حيله در دل ظلمت ز پا در افگندش
الا بهین خلف پاک ملت و میهن
الا گزین شرر افروز خرمن دشمن
الا به اوج شرف آسمان ستاره عشق
سبک رکاب میادین برج و باره عشق
عقاب وار بر افلاک جاودان رفتی
نبود در خورت این تنگ آشیان رفتی
جدائی تو زمیهن به روزگار این بس
که بُعد فاصله طی شد به پای یک دونفس
به بال آتش و خون از فراز کوه و کمر
شدی به کوی شهیدان عشق راه سپر
ز تیر کینه و بیداد نا جوانمردان
زدی توییخبر از خویشتن به خون جولان
گداخت سینه دشمن ز پایداری تو
زعزم راسخ و ایمان و استواری تو
زبسکه مشفق و دانا و مهربان بودی
چراغ محفل شب های همراهان بودی
تورا که بود دل روشن و یتیم پرست
چرا زمانه به سنگ جفا و کینه شکست
تورفتی و ره و رسمت ز سر کی میگیرد
ز دود مان شهیدان خبر کی می گیرد
زنان بیوه ازین پس تورا کجا جویند
گل وجود تو را بی کسان کجا بویند
زمان که داغ عزیزان نهاد بر دل تو

به غیرهمت والا ندید حاصل تو
زقید و سوسه و زرق اهرمن رستی
کمر به عرصه آزادی وطن بستی
به دام هیله و نیرنگ پای ننهادی
به روی خصم دغل باب صلح نگشادی
توگرچه رفتی نام تو در جهان باقی است
به لوح سینه تاریخ جاودان باقی است